

آیت الله حاج میرزا احسن سیادتی سبزواری

ناصرالدین انصاری قمی
محقق حوزه علمیه قم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
اشاره

سبزوار در گذر زمان و در طول تاریخ پر نشیب و فراز خویش، شاهد درخشش ستارگانی فروزان در آسمان علم و دانش بوده است. این شهر - که در قدیم نام «بیبق» به آن اطلاق می شد - از دیرباز، مهد علم و ادب، و فضیلت و سیاست بود. برخی از حکومت‌های محلی آن - همانند سربداریان، که بیش از یک قرن بر آن نواحی حکومت کردند - در تاریخ ایران اثر گذار بوده است. نام شمس الدین ابوالمعالی جوینی و برادرش عظاملک جوینی، خواجه علی مؤید - که می خواست حکومت فقهی و ولایی را بنیان نهد و شهید اول را برای افتا، مرجعیت و تدریس، به ایران دعوت کرد و او، کتاب لمعه را تألیف کرد و به سبزوار فرستاد -، قطب الدین کیدری صاحب اصباح الشیعه، ابوالحسن بیبقی، صاحب تاریخ بیبق، ابن فندق بیبقی صاحب معارج نهج البلاغه،

آیت الله حاج میرزا حسین فقیه سبزواری (د. ۱۳۸۵ ه. ق) از جمله علمای بزرگ مشهد مقدس بودند.

تحصیلات

معظم له، نخست کتابهای: جامع المقدمات، شرح قطر الندی، خط، ترسل، نصاب و دره نادری را نزد روحانیان محل آخوند ملاقاسم و ملاحسن، در زادگاهش فراگرفت و پس از آن به پیروی از سیره خانوادگی، عشق درونی و کشش ذاتی اش، در اوایل سن بلوغ، ۱۳۱۷ ه. ق، به سبزواری آمد. وی مدت ۲۰ سال در آن شهر - که در آن زمان از حوزه های مهم علمی به شمار می رفت، و از چند شهر خراسان برای تحصیل بدانجا می آمدند - در مدرسه فصیحیه و مدرسه صلوات، مدرسه آقا میرزا ابراهیم شریعتمدار، به تحصیل و تدریس پرداخت. وی در آن شهر ادبیات، فقه و اصول، کلام و حکمت، هیئت و ریاضیات قدیم را نزد استادان وقت بخوبی فراگرفت و پس از آن، به تدریس آنها پرداخت. استادان وی در سبزواری، عبارتند از حضرات آیات:

۱. فقیه بزرگوار حاج میرزا حسین علوی سبزواری (۱۲۶۲ - ۱۳۵۲ ه. ق)

۲. آقا میرزا موسی مجتهد سبزواری، عموی معظم له (۱۲۶۲ - ۱۳۳۶ ه. ق)

۳. آخوند ملا محمد باقر نواشکی، که فقه و اصول را نزد وی آموخت

۴. شیخ ابوالقاسم دامغانی

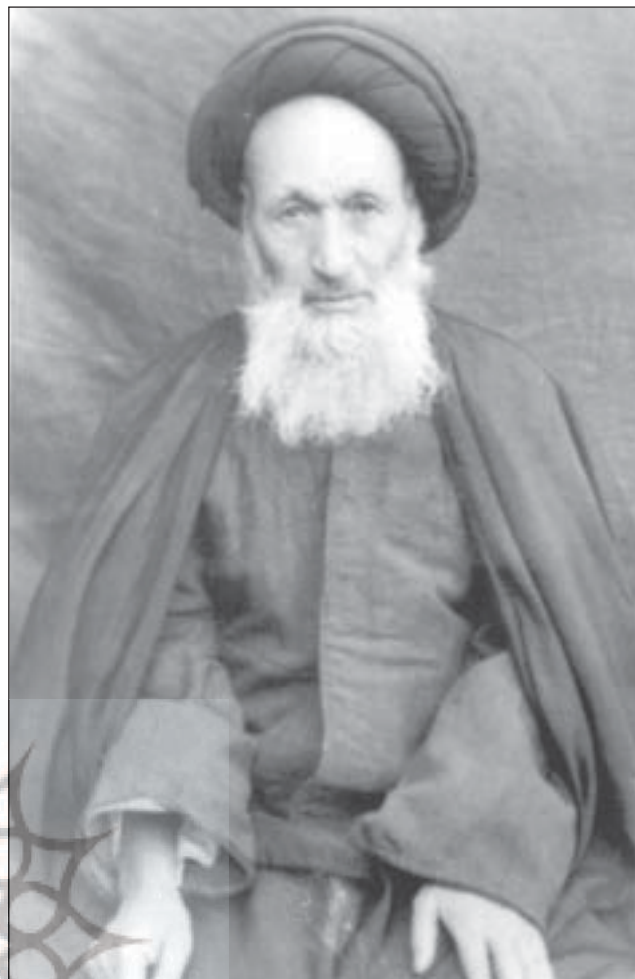
۵. عالم ذوفنون و طبیب مشهور میرزا اسماعیل طالقانی، ملقب به افتخارالحکماء و از شاگردان حاج ملاهادی سبزواری، که آیت الله سیادت، منطق، کلام، فلسفه، هیئت و ریاضیات قدیم را از او فراگرفت.

آیت الله سیادت، در این زمان به علم، عمل، قدس، ورع و تقوا مشهور، و مورد قبول و اعتماد مردم بود. او از مدرسان نامی رسائل و مکاسب، و امام جماعت مسجد جامع به شمار می رفت، که شوق رفتن به نجف اشرف، تکمیل تحصیلات و نیل به درجه عالی اجتهاد، شری در جانش برانگیخت که یکباره، همه آن مناصب را رها ساخت و به سوی نجف حرکت کرد [سیادت، مقدمه وسیله الوصول، ۶؛ بیهقی، سبزواری شهر دانشوران بیدار، ۱۹۶].

مهاجرت به نجف

حاج سیدحسن سیادت، در سال ۱۳۳۷ ه. ق رهسپار نجف اشرف شد. وی مدت ۱۶ سال از دانش استوانه های علمی نجف بهره برد، و در آن حوزه مقدسه نیز به علم، فضل و تقوا مشهور گردید. او در نجف، به تحصیل، تألیف و تدریس سطوح و شرح منظومه اشتغال داشت و دمی نیاسود تا اینکه پس از کسب اجازات متعدد روایی و اجتهادی از استادانش، به زادگاهش بازگشت. از مطالعه این اجازات، روشن می شود که او تا چه حد مورد توجه استادانش بود و تا چه پایه از علم و دانش قرار داشت.

آیت الله العظمی سیدابوالحسن اصفهانی در اجازه اش، چنین نوشت: «... و بعد فان جناب المستطاب علم الاعلام و مصباح



آیت الله میرزا حسن سیادت سبزواری

حاج ملاهادی سبزواری، و در قرن چهاردهم، حاج میرزا ابراهیم شریعتمدار، حاج میرزا حسین علوی سبزواری، حاج میرزا حسین فقیه سبزواری و حاج سیدعبدالاعلی موسوی سبزواری، در تاریخ سبزواری خواهد ماند. یکی دیگر از عالمان بزرگ سبزواری، مرحوم آیت الله حاج سیدحسن حسینی سیادت است که سالیان دراز در آن خطه به خدمات بزرگ دینی اشتغال داشت. این مقاله، در آستانه چهلیمین سال وفات آن بزرگمرد عهده دار شرح برخی از آن خدمات است.

ولادت

آیت الله حاج میرزا حسن سیادت، فرزند میرزا اسماعیل، فرزند میرزا محمد علی، فرزند میر محمد، در اواخر سال ۱۲۹۹ ه. ق، در روستای ایزی، پنج کیلومتری شرق دارالمؤمنین سبزواری، در بیت علم، تقوا و فضیلت زاده شد.

خانندان

پدرش، آقا میرزا اسماعیل، از جمله صالحان، پرهیزکاران و مورد توجه و احترام اهالی روستا بود [بیهقی، سبزواری شهر دانشوران بیدار، ۱۹۶]. نیز عمویش، آیت الله آقامیرزا موسی مجتهد سبزواری (د. ۱۳۳۶ ه. ق)، از جمله علمای بزرگ سبزواری و پسرعمویش،



الظلام و البحر القمقام و السيد الهمام، ركن الاسلام الحبر التقي الزكي المؤمن الحاج السيد ميرزا حسن السبزواری، ایدالله به الدين وجعله غوثا و غياثا للمسلمين ممن صرف عمرة في تحصيل العلوم الدينية الشرعية و تنقيح مبانيها النظرية و حضر على شطراً و افياء و دهرأ كافيأ في ابحاثي الفقيهية و الاصولية حضور بحث و تحقيق و فحص و تدقيق و افادة و استفادة و قد جد و اجتهد و تعب و كد حتى صار بحمدالله من كبراء المجتهدين و الفقهاء البارعين فيجوزله العمل برأيه و يحرم عليه التقليد. . . و للناس الرجوع اليه في الامور الشرعية و الوظائف الدينية التي لايجوز الرجوع فيها الي غيرالمجتهد الجامع للشرايط. . .» [سيادتي، مقدمه و سيلة الوصول، ۱۱۳].

آيت الله العظمى ميرزای نائینی هم در اجازه اش، نوشت: «... و ممن و فقه الله تعالى للطلب و العمل به هو جناب العالم العامل و الفاضل الكامل صاحب القوة القويمة و السليقة المستقيمة و الفكر الثاقب و النظر الصائب صفوة المجتهدين العظام و ركن الاسلام جناب الاغا الحاج الميرزا حسن السبزواری ادام الله تعالى افضاله و كثر في العلماء العالمين امثاله. . . و لقد حضر ابحاثي الفقيهية و الاصولية حضور تفهم و تحقيق و تعمق و تدقيق فاصبح بحمدالله تعالى من المجتهدين العظام و مصابيح الظالم و جازله العمل، بمايستنبطه من الاحكام على النهج الجارى بين المجتهدين الاعلام. . . و در پايان، به او چنين وصيت مى كند: «... اى نور چشمانم سفارش مى كنم تو را به همراهى تقوا و پرهيز از طلب دنيا، و مرگ را پيش چشمانت قرار ده، و تمام كوششت را به كار بر كه از مرگ غافل نشوى، و بسيار تأمل و تفكر نماى در آنچه كه سيد رضى - نورالله ضريحه - در نهج البلاغه از مولايمان امير المؤمنين - صلى الله عليه و آله الطاهرين - ذيل تلاوت حضرتش سوره «البيكم التكاثر»، روايت کرده است كه آن، در اين مورد كافي است» [سيادتي، مقدمه و سيلة الوصول، ۱۱۴].

اجازه روایتی مرحوم آیت الله سیادتى از استاد الفقهاء و المجتهدين ميرزای نائینی

بازگشت.

بازگشت به سبزواری

آيت الله سيادتي، در سال ۱۳۵۳ هـ. ق / اسفند ۱۳۱۳، بنا به دعوت بزرگان شهر و دستور آيت الله آقا سيد ابوالحسن اصفهانی، به سبزواری آمد و به تدریس، اقامه جماعت و ديگر امور روحانيت پرداخت. وی مورد توجه و اعتماد خاص و عام قرار گرفت؛ به طوری که در سبزواری و نواحی خراسان و حوزه های علمی ایران، از معروفیت و در نزد قاطبه مردم، از محبوبیت بسزایی برخوردار شد ایبقي، سبزواری شهر دانشوران بیدار ۱۹۷؛ سيادتي، مقدمه و سيلة الوصول، ۶؛ شريف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۵، ۱۳۱۵.

او در سبزواری، به تأسیس حوزه علمیه، پرورش شاگردان، بنیاد مسجد و حسینیه، گره گشایی از کار مردم، اقامه جماعت در مسجد جامع سبزواری و پاسخ به استفتائات اشتغال داشت.

تأسیس حوزه علمیه

آيت الله سيادتي پس از سقوط رضاخان در شهریور ۱۳۲۰ و باز شدن فضای سياسی کشور، به احیای حوزه علمیه و کهن سبزواری دست یازید و با همکاری ديگر علمای شهر، به تدریس منظم فقه و اصول پرداخت. وی در ۱۳۲۳ / ۱۳۶۳ هـ. ق، نامه هایی به اغلب روستاهای اطراف و توابع سبزواری فرستاد، و درخواست اعزام طلبه به مدارس علوم شرعيه کرد، که با استقبال گرم مردم مواجه شد [شريف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۵، ۳۱۵؛ بیبقي، سبزواری شهر دانشوران، ۱۹۸؛ امين الشريعة، اخلاق امینی، ۲۱۳ و ۲۴۶].

تدریس

آن فقيه بزرگ، در طول اقامت ۳۰ ساله اش در سبزواری، به تدریس سطوح (شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفايه)، خارج فقه و

استادان

استادان ایشان در نجف، عبارتند از آیات عظام:

۱. آقا سيد ابوالحسن موسوی اصفهانی (د. ۱۳۶۵ هـ. ق)، صاحب و سيلة النجاة
 ۲. ميرزا محمد حسين غروی نائینی (د. ۱۳۵۵ هـ. ق)، صاحب تبيين الامه و اللباس المشكوك
 ۳. آقا ضياء الدين عراقی (د. ۱۳۶۱ هـ. ق)، نویسنده مقالات الاصول و شرح تبصرة المتعلمين
 ۴. آقا شيخ اسماعيل غروی محلاتی، ابوالزوجه بزرگوارش (د. ۱۳۴۳ هـ. ق)، صاحب انوار العلم و المعرفة و الدرر اللوامع
- ایشان پس از آنکه دو دوره کامل خارج اصول و برخی از مباحث فقهی را از محضر آیات عظام: اصفهانی و نائینی، مقداری هم خارج اصول آيت الله آقا ضياء عراقی و بخشی از خارج فقه و اصول آيت الله شيخ اسماعيل محلاتی را درک کرد، به ایران

اصول (طهارت مصباح الفقیه و تقریرات درس نائینی و اصفهانی) و شرح اصول کافی ملاصدرا پرداخت، و دهها نفر از علمای سبزوار را تربیت کرد. ایشان با اینکه فلسفه را خوب خوانده بود و با یک واسطه شاگرد حاج ملاهادی سبزواری و خودش شاگرد مرحوم افتخارالحکما بود، اما حکما و فلاسفه را قبول نداشت و می گفت: «همه چیز در اخبار و احادیث آل محمد(ع) است».

حجت الاسلام والمسلمین سیدمصطفی سیادت می گوید: ایشان می فرمود:

«فلسفه برای کسانی که تحصیلات شرعی کافی دارند، برای دانستن اصطلاحات آن خوبست ولی برای کسانی که هنوز مایه علمی کاملی از علوم شرعی ندارند مضر است و ممکن است آنها را منحرف کند».

ایشان، تبرز و تظاهر به فلسفه دانی نمی کرد ولی اگر بحثی به میان می آمد، به خوبی وارد بحث می شد و دانش خود را نمایان می ساخت.

روزی در مجلسی، با یکی از آقایان علمای شهر که به فلسفه دانی مشهور بود، بحثی فلسفی درگرفت، ایشان آن آقا را مغلوب نموده بود. خود مرحوم آقا می گفت: آن روز، بحث در اصول بود ولی آن آقا بحث را به فلسفه کشید تا غلبه نماید ولی همه فهمیدند که چه خبر است.

یکی از اهل آن مجلس به من گفت: بعد از اینکه مرحوم آقا از مجلس بیرون رفت، آن آقا - که مغلوب شده بود - گفت: «مقصودم از این بحث این بود که اهل مجلس بدانند که این سید چقدر ملامت و ارزش او معلوم شود».

شاگردان

- برخی از شاگردان آن فقیه فرزانه، عبارتند از حضرات آیات:
۱. حاج شیخ ولی الله اسراری(د. ۱۴۰۶ ه.ق)، نویسنده گنجینه صفات و شرح احوال و آثار حاج ملاهادی سبزواری
 ۲. حاج میرزا علی سیادت سبزواری(د. ۱۳۹۷ ه.ق) برادرزاده اش
 ۳. آقا سیداسماعیل صدر سبزواری (د. ۱۳۶۵ ه.ق)
 ۴. آقا سیدعلیتقی امین سبزواری (د. ۱۴۲۰ ه.ق)، نویسنده شرح دعای کمیل
 ۵. آقا سیدمصطفی حسینی سیادت - مد ظله العالی - که از آغاز ادبیات تا سطوح و خارج را نزد پدر بزرگوارش خواند. وی نویسنده کتاب اسلام و تشیع و دیده ها و شنیده هاست.
 ۶. حاج میرزامحمد علی حسینی برآبادی - دامت برکاته، از مدرسان فعلی، که دو دوره کفایه را نزد ایشان خواند.

تألیفات

- از آن عالم ربّانی، در مدت اقامت ۱۶ ساله اش در نجف اشرف، تقریرات و تألیفاتی برجای مانده است که همه آنها با قلم نی و مرکب نگاشته شده است. آنها عبارتند از:
۱. وسیله الوصول الی حقائق الاصول: تقریرات درس اصول آیت الله العظمی سیدابوالحسن اصفهانی، از ابتدای مباحث الفاظ

تا پایان استصحاب (همراه با قواعد: تجاوز و فراغ، اصالة الصحة، و آغاز تعادل و تراجیح) است. در این نوشتار، مباحث مقدمه واجب، نواهی - تا اجتماع امر و نهی -، مفاهیم، تعادل و تراجیح و اجتهاد و تقلید وجود ندارد. و لذا این مباحث در جلد دوم وسیله الوصول، به قلم مرحوم آیت الله شیخ محمدحسین کلباسی، اخیراً منتشر گردید. این کتاب، در سال ۱۴۱۹ ه.ق در قم، در ۸۴۰ صفحه چاپ شد.

۲. تقریرات درس فقه آیت الله سیدابوالحسن اصفهانی: بحث خلل صلاة است، که قرار است در قم چاپ شود.

۳. تقریرات درس اصول آیت الله العظمی میرزای نائینی: این تقریرات در دو جلد چاپ شد. جلد نخست آن، مباحث الفاظ و اشتغال (۳۲۰ صفحه)، و جلد دوم آن مباحث استصحاب و تعارض (۳۶۰ صفحه) است.

۴. تقریرات درس اصول آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی (۱۴۶ صفحه)

۵. نذرة من المسائل الاصولية على ترتيب الكفاية (۱۰۰ صفحه): پس از آن، تقریرات درس اصول آیت الله سیدابوالحسن اصفهانی در تعادل و تراجیح (۹۰ صفحه) بود، که در سال ۱۳۴۴ ه.ق نگاشته شد و هنوز به چاپ نرسیده است.

۶. کتابی در اصول (۴۷۰ صفحه): معلوم نیست که آیا این کتاب از تألیفات خود ایشان است یا از تقریرات درس استادانش؟

۷. کتابی ناتمام در مباحث فقه و اصول (۳۶۶ صفحه) مجموع نوشته های آن مرحوم، بر حسب محاسبه فرزند دانشمندش، آقای حاج سیدمصطفی سیادت، ۲۸۰۸ صفحه - در حدود ۱۷۷۶ سطر - است که مجموع آنها را با قلم نی و مرکب نگاشته است. آن مرحوم در اواخر عمرش با برخی از شاگردان خصوصی خود، بعضی از مجلدات دستنوشته اش را مباحثه می کرد



مجلس درس را بجز ایام سفر، بیماری و سوگواری تعطیل نکرد. مجلس درسش در بیرونی خانه‌اش بود، و مراجعان را هم در همانجا می‌پذیرفت».

عشق به اهل بیت(ع)

ایشان به خاندان عصمت و طهارت(ع) اخلاصی تمام داشت. در همه روزهای اعیاد و وفیات معصومان(ع)، روز وفات حضرت زینب کبری(س)، روز عرفه (شهادت حضرت مسلم(ع))، روز دهم ربیع الثانی مصادف با به توپ بستن حرم و گنبد مطهر حضرت امام رضا(ع) از سوی روسها، روز شهادت حضرت حمزه عموی بزرگوار پیامبر اکرم(ص)، روزهای ۲۴ و ۲۵ ذیحجه (روزهای مباهله و خاتم بخشی امیرالمؤمنین(ع))، روز اربعین حسینی، نیمه اول محرم از شب اول تا شب پانزدهم، در خانه خود مجلس روضه خوانی و ذکر فضایل، مناقب و مصایب آن بزرگواران را تشکیل می‌داد. و نیز در تمام روزهای پنج‌شنبه، همین مجلس دایر بود. در سالهای اواخر عمر - که اغلب مریض و خانه نشین بود - چند کتاب اشعار مرثیاتی مانند: کلیات جودی و خزائن الاشعار جوهری را در کنار دست خود داشت، که به وقت تنهایی با خود، آن اشعار را زمزمه می‌کرد و می‌گریست.

ایشان در روزهای اعیاد مذهبی، علاوه بر چای، در مجلس نقل هم می‌گذاشت. آیت‌الله سیادت در روز عید غدیر و عید نوروز، به هر یک از مردم و زائران، یک سکه یک ریالی هم می‌داد و تاکنون، بسیاری هستند که از آن سکه‌ها به عنوان تبرک، نگاه داشته‌اند.

زهد

آیت‌الله سیادت، از مال دنیا فقط یک باب خانه - بیرونی و اندرونی - داشت، که مردم برایش خریده بودند. مقداری اثاثیه و لوازم زندگی - در حد متعارف - که تدریجاً و با زحمت تهیه شده بود، و شماری کتابهای علمی لازم، از آن ایشان بود؛ و دیگر هیچ

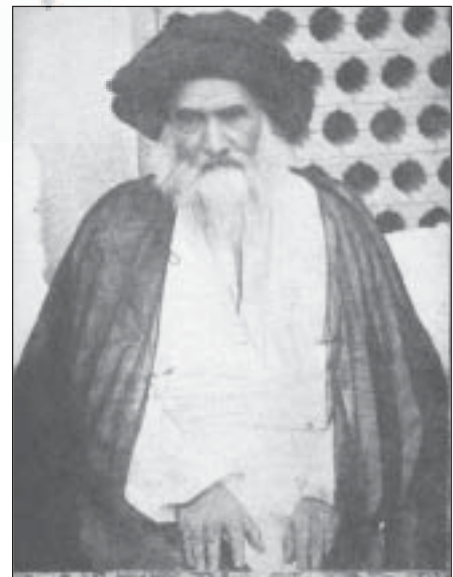
و بسیار می‌فرمود: «افسوس که من قسمت عمده عمرم را صرف تدریس کردم، که حرف است و ظاهراً، معدوم می‌شود و از تألیف غافل ماندم. خیال می‌کردم که نوشته‌هایم قابل نیست، حالا می‌بینم که مسوده‌هایم، مبیضه است» [سیادت، مقدمه وسیله الوصول، ۱۹].

ویژگیهای شخصی

آن مرحوم اندامی میانه داشت، و لاغر، سپیدپوست، متبسم و گشاده روی بود. وی صدایی نافذ، زبانی فصیح، طبعی بلند و سخی، و دستی بخشنده داشت. او فروتن، مهربان، عابد، زاهد، شیرین سخن و شوخ طبع، اما با هیبت و ابهت بود. فرزند بزرگوارش درباره معظم له می‌نویسد: «پدرم، لباس پشمی خارجی و پارچه‌های بافت کارخانه را نمی‌پوشید. لباسش در تابستان از پارچه‌های نخی سفید و در زمستان، برک یا شالهای دستباف لژی بود. و دکمه‌های لباسش را از قیطون (قیطان) می‌دوختند (و این روش علمای پیشین همانند: میرحامد حسین و شیخ جواد بلاغی بود که از پارچه‌ها و اجناس خارجی استفاده نمی‌کردند). معظم له، چه در نجف اشرف - که به خاطر دارم - و چه در سی سالی که در سبزوار حیات داشت، پس از نماز صبح نمی‌خوابید و هر روز در تعقیب نماز صبح، به قدر شش جزء قرآن: دعا و اذکار و اوراد و قرآن تلاوت می‌کرد. هرگاه برای وضو، در کنار حوض می‌نشست، دقت می‌کرد که موجودی زنده در آب نیفتاده باشد. و اگر حشره‌ای در آب افتاده بود و دست و پا می‌زد، آن را برمی‌داشت، سپس وضو می‌گرفت. ایشان کم‌خور، کم‌گو و کم‌خواب بود. همه اوقاتش، صرف کاری مفید - همچون: تدریس، عبادت، پاسخ به استفتائات و مراسلات - می‌شد. هر وقت که تنها می‌شد، به مطالعه کتب می‌پرداخت. از بدو ورودش به سبزوار در سال ۱۳۵۴ هـ. ق تا پایان عمرش - که بیش از ۳۰ سال شد -



منظره بیرونی حسینیه آقا



آیت‌الله حاج سیدابوالحسن اصفهانی از اساتید ایشان

نداشت. در روز فوتش، در دستمالی که در حکم خزانه اش بود، فقط ۷۰۰ و چند تومان پول وجود داشت. با آنکه سیل و جوهات، هدایا و حق نظارت بر موقوفات به سؤیوش سرازیر بود، اما زندگی اش مانند دیگر مردم بود، و برای خود امتیازی قائل نبود.

بنیاد مسجد و حسینیه

از آن مرحوم در سبزوار، مسجدی بر جای ماند که اینک به «مسجد آقا» معروف است. حجت الاسلام حاج سیدمصطفی سیادت می نویسد: «ایشان، از حق العشر موقوفاتی که چندین سال در تصرفش بود، به اصرار بنده مبلغ ۳۰ هزار تومان برداشت و به مرحوم حاج علی اکبر حسن زاده شامکانی داد تا با آن، اجناس خرید و فروش کرد و فایده برد. و طی چند سال، اصل عشریه با منافع تجارتهی آن، در حدود شصت و چند هزار تومان شد، که در آن زمان، پول قابل توجهی بود. مرحوم والد تمام آن مبلغ را صرف تأسیس مسجد و حسینیه ای کرد، که اینک مورد استفاده و اجتماعات مردم است. و سرانجام، مدفن خود آن مرحوم نیز شد».

نماز باران

در بهار سال ۱۳۲۸ / ۱۳۶۸ ه. ق که مزارع و کشتزارهای شهر و نواحی اطراف در آتش خشکسالی می سوخت، مردم از ایشان تقاضای نماز استسقاء کردند. آن عالم متقی هم با جماعتی از مردم، در مصلای سبزوار به نماز طلب باران ایستاد. پس از نماز و در همان روز و چند روز پس از آن، بارانهای مفید و پی در پی بارید، و زمینها را سیراب و نهرها را پر از آب کرد. این نماز، در سبزوار معروف است و هنوز هم کسانی که از آن زمان تا به حال زنده اند، آن را به خاطر دارند.

درگذشت

آن مرحوم، پس از ۳۰ سال اقامت در سبزوار و ریاست و مرجعیت دینی شهر، و پس از پشت سر نهادن یک دوره بیماری،

سرانجام در عصر روز یکشنبه ۲۳ ماه رمضان ۱۳۸۵ ه. ق - که روزی پرفضیلت و روز قدر است -، مطابق با ۲۶ دی ۱۳۴۴، در ۸۶ سالگی چشم از جهان فروبست و به موالیان طاهرش پیوست. در روز دفن جنازه اش، ۲۴ رمضان، تمام شهر تعطیل گردید و مردم سبزوار با غم و اندوه بسیار، پیکر پاکش را به طور باشکوه و بی سابقه ای تشییع کردند. پس از نماز میت به امامت فرزندش، حجت الاسلام حاج سیدمصطفی سیادت، پیکر پاک آن فقیه سعید در حسینیه ای که از مال خالص خویش ساخته بود، مدفون شد، و عالمی از علم و عمل را به خاک برد [سیادت، مقدمه و سیلة الوصول، ۱۲].

بازماندگان

از آن فقیه بزرگوار، فرزندان بر جای ماند، که حجت الاسلام والمسلمین حاج سیدمصطفی سیادت، یکی از آنان است. وی، عالمی ادیب، شاعر و خوش خط است، که اینک در سن ۷۷ سالگی، از علمای شهر به شمار می رود. کتاب اسلام و تشیع، به خط نسخ و نستعلیق وی چاپ شده، و کتابهای: سبزوار در قرن چهاردهم هجری و دیده ها و شنیده ها، هنوز منتشر نشده است. وی، تمام تحصیلاتش را از آغاز تا پایان، نزد پدر بزرگوارش آموخت [بیهقی، سبزوار شهر دانشوران بیدار، ۱۹۹ - ۲۰۰].

منابع

۱. امین الشریعة، میرسیدحسن، اخلاق امینی
۲. بیهقی، محمود، سبزوار شهر دانشوران بیدار، انتشارات دامینه، ۱۳۷۹
۳. سیادت، سیدمصطفی، وسیلة الوصول الی علم الاصول (مقدمه)، قم، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۹ ه. ق
۴. شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۵۲



آیت الله میرزا حسین نائینی از اساتید ایشان



مقبره شریف آیت الله سبزواری در حسینیه آقا